

اُستادانه

محتوای خوب از ما، نمره خوب برای شما

خلاصه کتاب بر مدار نور - تفسیر موضوعی قرآن کریم پرسش محور
نگارش جمعی از نویسندگان

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که اُستادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت اُستادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری
www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب

- درس اول: جامعیت و جهانی بودن قرآن..... ۲
- درس دوم: قرآن و پاسخگویی به نیازهای انسان امروزی..... ۶
- درس سوم: اعجاز قرآن..... ۱۰
- درس چهارم: عدم تحریف و دستکاری قرآن..... ۱۵
- درس پنجم: جلوه‌های رحمت و عذاب الهی در قرآن را بشناسیم..... ۱۸
- درس ششم: هدایت و ضلالت در قرآن..... ۲۱
- درس هفتم: سایر کتب آسمانی انبیاء الهی در قرآن..... ۲۴
- درس هشتم: عدالت در نظام خلقت از دیدگاه قرآن..... ۲۸
- درس نهم: بررسی رابطه دین و جامعه در قرآن..... ۳۲
- درس دهم: رابطه دین و سیاست در قرآن..... ۳۶
- درس یازدهم: برابری زن و مرد در قرآن..... ۳۹
- درس دوازدهم: آزادی از منظر قرآن..... ۴۳
- درس سیزدهم: حجاب و پوشش در اسلام..... ۴۷
- درس چهاردهم: کیفیت خلقت نخستین از منظر قرآن..... ۴۹
- درس پانزدهم: ازدواج از منظر قرآن..... ۵۲

درس اول: جامعیت و جهانی بودن قرآن

درآمد:

قرآن پیام زندگی بخش و جاویدانی است که برای هدایت انسان ها به سوی سعادت نازل شده و آنان را به علم، پاکی و صداقت فرامیخواند و حیات طیبه و زندگی برتر را به آنها می‌نماید.

۱- آیا معنای جامعیت و تبیاناً لکل شیء بودن قرآن آن است که به همه مسائل موجود اشاره کرده باشد؟

بررسی آیات و معارف قرآن کریم نشان می‌دهد که این کتاب الهی، هدایتگر انسان به سوی خدا است و برنامه ای جامع برای زندگی دنیوی انسان و سازنده معنویتی پر بار و آخرتی آباد برای او است. قرآن کریم هم دربردارنده امور مادی و هم دربردارنده امور معنوی مرتبط با هدایت انسان است. قرآن به همه ابعاد وجودی انسان توجه کرده است. در قرآن همانگونه که به مسایل معنوی و روحی انسان توجه شده است، به مسایل دیگر از جمله مسایل حکومتی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و ... نیز توجه شده است. به همین جهت و در راستای هدایت انسان، در قرآن داستان هایی واقعی و قصه هایی از انت پیشین ذکر شده است حتی اشاره هایی علمی که با واقعیت مطابقت دارند:

سبحان الذی خلق الأزواج کلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لایعلمون.

البته این اشاره های علمی و حقوقی هدف فرعی قرآن کریم است نه هدف اصلی آن. بنابراین هرچه جامعه پاک تر گردد و با عدالت همراه شود، به هدف اسلام نزدیک تر می‌شود و از این روست که قرآن به تمام ابعاد اشاره کرده است. حتی بیان مسائل اقتصادی، سیاسی، علمی، حقوقی و ... نیز در بسیاری از موارد به صورت اصل عمومی است که انسان را به هدایت الهی نزدیک تر می‌کند.

بنابراین نباید از قرآن انتظار داشت که تمام جزئیات سیاسی و اقتصادی متناسب با هر زمان را بیان کند چون هدف قرآن این نیست.

۲- چرا در قرآن نام ائمه معصومین نیامده است؟

هرچند نام ائمه به طور صریح نیامده ولی آیاتی وجود دارد که در شأن اهل بیت خصوصاً حضرت علی نازل شده است:

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکاه و هم راکعون.

چرایی آشکارا بیان نشدن نام ائمه:

یک. بنای قرآن بر آن بوده است که مسائل را به صورت کلی و بنیادین بیان کند نه آنکه جزئیات و ریز مسائل را بیان کند. خداوند نماز و حج و زکات را به شکل اصل و قانون کلی نازل نمود و جزئیات آن را تشریح نکرد بلکه پیامبر جزئیات آن را تشریح کرد و به خلافت حضرت علی و اهل بیتش تاکید کرد.

دو. بنابر مصلحت هایی که حفظ اصل اسلام و دین در آن است، قرآن به صورت غیرواضح و با اشاره به این مطالب اشاره کرده است زیرا احتمال دارد که دامنه مخالفت با مسئله امامت ائمه، به مخالفت با قرآن و اصل دین کشیده شود که به صلاح مسلمانان نخواهد بود.

افزون بر این باید توجه داشت که اگر خداوند در قرآن می فرماید: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون. یکی از راه های طبیعی قرآن همین بوده است که انگیزه های مخالفت و تحریف به صورت طبیعی از میان برداشته شود.

بنابراین قرآن کریم نام اهل بیت را به صورت آشکار بیان نکرده است و آیات مربوط به ولایت حضرت علی همچون آیه تبلیغ و تطهیر که در مورد عصمت اهل بیت است در لابلای آیاتی که در ظاهر هیچ ارتباطی با بحث ندارند گنجانده شده اند تا انگیزه های تحریف و تبدیل فروکش نماید.

از طرف دیگر پیامبر که به بیان آشکار قرآن سخنانش همگی حق و وحی هستند نام ایشان را به بیان آشکار بیان داشته و امام علی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده اند.

۳_ اصلا چه دلیلی دارد قرآن این همه تفسیر داشته باشد؟

عوامل متعددی مانند:

عظمت، جامعیت، دارای مراتب مختلف بودن، ظاهر و باطن داشتن قرآن و نیز بیان موضوعات و مسائل مختلف از عالم ماده گرفته تا متافیزیک. تفاسیر متعدد با یکدیگر دوگانگی ندارند و در هدایتگری قرآن دچار اشکال نمی کنند. یکی از نشانه های زیبایی و عمق قرآن کریم وجود تفسیرهای گوناگون و مختلفی است که بر آن نگاشته اند. این درحالی است که هرکدام یک جنبه یا چند جنبه از قرآن را تفسیر و گزارش کرده اند. نه تفاسیر معاصر می توانند تمام معانی قرآن را کشف کنند و نه تفاسیر آیندگان خواهند توانست درک عمیق و همه جانبه از آن به دست دهند. از عوامل تنوع تفاسیر می توان به اختلاف درجه و سطح علمی مفسران نسبت به سطح کشف و دریافت خواسته و مراد الهی از آیات قرآن اشاره کرد. عامل دیگر چگونگی طرح و نگارش مطالب تفسیری یعنی شکل و قالب بحث از آیات، ادبیات حاکم بر متن تفسیر و چگونگی بیان آن است.

هیچ کدام از این عوامل به باعث تنوع در تفاسیر مختلف از آیات می شود منافاتی با ابعاد گوناگون هدایتگری قرآن ندارد بلکه همین تنوع موجب می شود فهم بهتری از جوانب متعدد آیات ارائه شود.

۴- چرا قرآن باید تفسیر شود؟

قرآن کتابی قابل فهم به زبان عربی واضح است و معارف و مفاهیم آن یادآور شناخت فطری و معرفت عقلی بوده و با بیان موعظه و نصیحت و با وعده و وعید به هدایت آدمیان همت گمارده است:

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر.

قرآن برای هدایت عموم نازل شده و عموم می‌توانند با مراجعه مستقیم به قرآن از معارفش بهره بگیرند.

البته همه آیات برای همه کس قابل فهم نیست. آیات دو دسته اند: محکم و متشابه.

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات.

اگر همه آیات برای همه قابل فهم بود دیگر نیازی به مفسر و فرستادن انبیا نبود:

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله.

در این آیه دو عامل برای هدایت مردم و حفظ آنان از گمراهی معرفی شده است:

آیات کتاب خدا که بر مردم تلاوت می‌شود و رسول خدا که در بین آنها است و مضمون وحی را بر ایشان تبیین می‌کند. **و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم.** در این آیه به صراحت وظیفه رسول خدا

بیان و توضیح قرآن معرفی شده است. در آیات متعددی رسول خدا معلم کتاب معرفی شده است:

أرسلنا فیکم رسولا منکم یتلو علیکم ایتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه.

معلوم است که منظور از تعلیم کتاب، آموزش خواندن آن نیست بلکه منظور توضیح مفاهیم، پیام‌ها و تفسیر آیات قرآن است. بنابراین قرآن به زبان عربی واضح برای عموم مردم نازل شده و فهم آن برای هیچ دسته و گروهی منحصر نیست ولی چون افراد در معرض بدفهمی هستند و درک همه معارف از آن توان و علم انسان خارج است، لازم است برای فهم و درک کلام الهی به متخصصین تفسیر رجوع کرد.

۵- تفسیر به رای یعنی چه و چرا نباید تفسیر به رای کرد؟

تفسیر با محوریت آراء و نگرش‌های غیر معتبر را تفسیر به رای می‌گویند. کسانی که تفسیر به رای می‌کنند به منظور به نتیجه رساندن اهداف خود از قرآن پلی ساخته‌اند و هیچگاه در فکر تفسیر قرآن نبوده‌اند.

تک روی و استبداد به رای در مقام تفسیر قرآن، به این معنا که شخص بدون توجه به شیوه اهل فن در فهم معانی کلام و خصوصا کلام خدا سخن بگوید تفسیر به رای و خطا است زیرا برای دستیابی به مقصود و کلام پروردگار ابزار و شیوه‌هایی وجود دارد که نادیده گرفتن آنها و تکیه کردن بر فهم خود مخالف شیوه عقل است. بنابراین اگر شخص با هدف خودنمایی، جدل و غلبه بر خصم تفسیر کند، تنها می‌کوشد خواسته خود را تأمین کند و حقانیت برایش بی‌اهمیت است. چنین شخصی حتی اگر حرف درستی هم زده باشد پاداشی

دریافت نخواهد کرد زیرا در صدد تایید نظر خویش و رسیدن به اهداف خویش بوده است. اگر در تفسیر قرآن آیات بدون استناد به اصلی استوار و تنها با تکیه بر تعبیر ظاهری تفسیر شود، چنین تفسیری سخن گفتن از روی جهل است و ناپسند است. خصوصاً اگر چنین سخنی در مورد کتاب خدا باشد.

۶- آیا وجود ادیان و آیین های گوناگون باعث نمی شود فکر کنیم که خداوند باید دوباره رسول دیگری بفرستد تا انسان را به حقیقت برساند؟

اصول و مبانی ادیان الهی با یکدیگر متفاوت نیستند زیرا تمام دین های اسلامی از طرف خداوند نازل شده و همه در اصل و جوهر باهم اشتراک دارند. همه ادیان به یکتاپرستی و اعتقاد به رستاخیز دعوت کرده اند و پیامبران آسمانی در این دعوت با هم مشترک اند:

و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت.

اگر ادیان در اصول و مبانی باهم اختلاف داشته باشند، اختلاف را نه در دین و آورندگان آن بلکه در پیروان آن ها و اعتقاداتی که به دین دارند باید جست و جو کرد. براساس آموزه های دینی و قرآنی چیزی به نام ادیان وجود ندارد در عین حال شریعت و راه و روش هر یک از پیامبران الهی با هم فرق داشته اند:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا.

پیامبران الهی یا صاحب شریعت و یا پیامبران تبلیغی بوده اند. پیامبران تشریحی پیامبران بزرگ الهی مانند حضرت ابراهیم، موسی، عیسی و محمد بوده اند که صاحب شریعت و آیین خاصی برای جامعه و نکات انسان ها بوده اند. پیامبران تبلیغی کسانی بوده اند که از طرف خداوند برای هدایت بشر آمده اما شریعت و قوانین خاصی نداشتند. ظهور پیامبران ویژه در یک دوره و منطقه خاص نبوده و برای امت های مختلف وجود داشته اند:

و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت.

نو شدن نبوت ها و آمدن دوباره پیامبر را می توان به دو عامل نسبت داد: تحریف و دستکاری شدن ادیان و شرایع آسمانی، عدم رشد و بلوغ فکری انسان ها و تغییر شرایط و نیازهای جدید. پیامبران همراه با کامل شدن انسان ها، تعلیمات تکمیلی خویش را که همه در اصول و مبانی مشترک اند بیان کرده اند. با آمدن اسلام هم متن اصلی دین که قرآن است از دستبرد دور ماند و هم بشر به اندازه ای از رشد و بلوغ فکری رسیده بود که می توانست دین خود را حفظ نموده و نیازهای جدید خود را براساس اصول آخرین دین و شریعت به دست آورد؛ پس نیاز به دین جدید نبود و نخواهد بود.

درس دوم: قرآن و پاسخگویی به نیازهای انسان امروزی

درآمد:

خداوند متعال انسان را برای رسیدن به سعادت و کمال خلق نموده و در همین مسیر رسیدن به سعادت او را راهنمایی می‌کند. ابزارهای موجود نزد بشر برای برآوردن تمام نیازهای هدایتی او ناتوان هستند. از آنجایی که دین و قرآن برای برآورده ساختن نیازهای هدایتی بشر آمده اند باید پاسخگوی نیازهای هدایتی بشر تا روز قیامت باشند.

۱- چطور هم می‌شود گفت قرآن همیشگی و برای همه انسان‌ها است و هم فقط برای مردم عرب زبان نازل شده است؟

قرآن کریم شامل آیاتی است که اسلام و فرمان‌های قرآن را جاودانه و پاسخگوی همه نیازهای هدایتی انسان در هر عصر و زمان و جامعه‌ای معرفی کرده است اگرچه برخی آیات مانند:

و كذلك اوحينا اليك قرآنا عربيا لتنذر أم القرى و من حولها
يا

کتاب فصلت آیاته قرآنا عربيا لقوم يعلمون.

گویای آن است که قرآن برای مردم عرب زبان و مطابق با عرف و سنت‌های عربی نازل شده اما اینگونه نیست.

این قبیل آیات دلالت دارند بر اینکه خداوند از حوادث و اتفاقات و مسائل زمان نزول استفاده می‌کرده تا بیان خود را برای هدایت بشر تا قیمت ادامه دهد. مطابق دیگر آیات قرآن، قرآن کتابی جهانی است. غالب آیات اطلاق و عمومیت دارند و شامل نیازهای هدایتی همه انسان‌ها در همه زمان‌ها می‌شوند:

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعلمین نذیرا.

اندک تاملی در دین اسلام و معارف قرآن، فرازمانی، فرامکانی، فراملیتی، فرانژادی بودن قرآن کریم را آشکار می‌دارد:

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیرا و نذیرا.

مهمترین عامل جاودانگی دین اسلام و قرآن تطابق معارف و آموزه‌های موجود در آن با فطرت آدمی است: فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم.

گزاره‌های دین اسلام معقول بوده و هیچ تناقضی در معارف و احکام آن وجود ندارد:

ا فلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافا کثیرا.

اسلام هم به جسم انسان و نیازهای آن و هم به روح و روان انسان و نیازهای آن توجه کامل دارد. بدین معنا که احکام اسلام براساس مصالح و منافع واقعی انسان تنظیم شده اند:

و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم والله یعلم و انتم لا تعلمون.

یا

و یدع الانسان بالشر دعاء بالخیر و کان الانسان عجولا.

انسان بدون شناخت دقیق از خود و جهان پیرامونش به وضع قوانین و مقررات پرداخته و به تعبیر قرآن در سیر جاهلانه خود عجله می کند تا به هدف متصور خود دست یابد در حالیکه خیر او در مسیر دیگری است.

۲- یعنی عقل انسان برای برطرف شدن نیازهایش کافی نیست؟

انسان برای رسیدن به خدا و دست یابی به کمال خلق شده است؛ پس باید در این مسیر هدایت شود.

ابزارهای موجود بشر از برآوردن تمام نیازهای هدایتی او عاجز اند.

نیازهای بشر به گونه ای است که در طول زمان نیز پا برجاست و چون دین و قرآن برای برآورده ساختن نیازهای هدایتی بشر آمده اند، باید پاسخگوی نیازهای هدایتی بشر تا روز قیامت باشند و این موضوع نباید اختصاصی به زمان پیامبر داشته باشد.

اگرچه در دین اسلام تامین برخی از نیازهای انسان به عقل و تجربه بشر واگذار شده است و همچنین عقل در کنار قرآن و سنت یکی از منابع شناخت دین معرفی شده است، اما دین در موارد خاص حامل معارفی است که عقل بدان راهی ندارد:

علمکم ما لم تکنوا تعلمون.

و مراد اموری است که بشر حتی با به کار گرفتن تمامی قوا و ادراکات نمی توانست به آنها دست یابد زیرا ادراک عقل منحصر در کلیات است.

عقل در مورد تمام معارف نمی تواند اظهار نظر کند؛ مثلاً می تواند ثابت کند خدایی هست و به صفاتش آگاهی پیدا کند اما به کنه ذاتش راهی ندارد به همین دلیل آدمی از تعقل در ذات الهی نهی شده است:

تعقل در قرآن: لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم.

تعقل در آیات تکوینی و پدیده ها و نظم جهان: ان فی خلق السماوات والارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب.

تعقل در احکام اخلاقی:

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

تعقل در سرگذشت پیشینیان: افلم یهد لهم کم اهلکنا قبلهم من القرون یمشون فی مساکنهم ان فی ذلک لآیات لا ولی النهی.

بنابراین عقل در هر مسیری توانایی رسیدن به مطلوب را ندارد. در واقع راهنمایی و جهت دهی عقل به مسیری که به نتیجه دست یابد بر عهده دین است، زیرا خداوند خالق عقل است.

۳_ چگونه قرآن پاسخگوی نیازهای زمان ها و دوره‌های مختلف است؟

دین اسلام و قرآن کریم برای پاسخگویی به نیازهای انسان در هر زمانی در سه بخش برنامه دارد: ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران و غیر خود، ارتباط انسان با خدا.

علم و عقل به هیچ وجه قادر نیستند در این سه قسمت جایگزین دین شوند زیرا دین اسلام هم به دنیا توجه می‌کند و هم به آخرت.

ارائه برنامه جامع هدایت تنها از دین برمی‌آید. این محدودیت اختصاصی به زمان پیامبر نداشته و ندارد. بنابر حکم الهی، خداوند تمام نیازهای هدایتی انسان را از طریق وحی در اختیار او قرار می‌دهد. در غیر این صورت هدف خلقت که دستیابی به کمال و سعادت غایی است محقق نمی‌شود.

۴_ آیا احکام و قوانین قرآن پاسخگوی نیازهای همیشگی و همینطور نیازهای متغیر انسان است؟

نیازهایی که مربوط به معنای زندگی انسان است ثابت است و نیازهایی که مربوط به شکل و صورت زندگی انسان است متغیر و متحول می‌باشند. پس اگر شکل زندگی بشر در هر زمان و مکانی دائماً در حال تغییر است دلیل بر این نیست که روح زندگی او هم دائماً در حال تغییر است.

نیازمندی‌های بشر در زندگی:

نیازمندی‌های ثابت: این نیازها از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه گرفته و این نوع نیاز تا ابد وجود خواهد داشت. این نیازها به سه دسته جسمی مانند خوراک و پوشاک، روحی مانند احترام و تربیت، اجتماعی مانند عدالت تقسیم می‌شوند.

نیازهای متغیر: این نیازها از نیازمندی‌های ثابت ناشی می‌شوند و دائماً در حال نو و کهنه شدن هستند. همچنین عامل مهمی در حرکت به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر است مانند قانون.

قوانین دین اسلام پویا بوده و با توجه به نیازهای ثابت و متغیر بشر ارائه شده اند. در رابطه انسان با خداوند نیاز بشر به خدا همواره از گذشته و تا آینده یکسان بوده و تکنولوژی این نیاز را کمتر نخواهد کرد.

از آنجا که زندگی انسان همواره دستخوش تغییر و تحول است، باید سازوکار مناسبی در دین خاتم و قرآن کریم به عنوان برنامه هدایت این دین موجود باشد که بتواند اهداف اصیل خود را تامین کند. این سازوکار رمز جاودانگی دین خاتم و توانایی او در هدایت بشر در هر زمان و مکان است:

الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

این کتاب مشتمل بر معارفی جاودان، در باب خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی، راه شناسی، راهنما شناسی و ... است که همه رمان ها را پوشش می دهد و هدایت بشریت به سوی سعادت را در هر مقطع تاریخی تامین می سازد. علاوه بر آن در قرآن از آینده بشریت نیز سخن بسیار گفته شده است که تحقق سعادت بشر در آینده در پرتو عمل به قوانین ثابت و متغیر الهی است.